

خبر

یادمان استاد حسین وحیدی برگزار شد



● یادمان استاد حسین وحیدی با عنوان سروش شیدایی برگزار شد. این مراسم با هدف تجلیل از مقام و منزلت شامخ استاد حسین وحیدی، ستاره پرفروع آسمان علم و ایمان که ۷۷ سال است مشغول به تدریس ریاضیات است، در سالن اجتماعات مؤسسه آموزشی سروش برگزار شد.

در این همایش که با حضور حجت‌الاسلام سیدمحمود داعی، سرپرست مؤسسه اطلاعات و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، علمتی، صفری‌نیا، داودی، محمود مهرمحمدی، میرزاده رئیس آموزش‌وپرورش منطقه ۳ تهران و صدری، محقق کتب درسی برگزار شد، از نشان سروش شیدایی توسط استاد حسین وحیدی رونمایی به عمل آمد. عبدالله شیرازی، مدیر و مؤسس مجتمع سروش، با بیان اینکه یادمان سروش شیدایی قرار است هر سال هم‌زمان با سالروز تولد استاد حسین وحیدی برگزار شود، نوید یک حرکت تازه در حوزه آموزش و تعلیم را به جامعه مدرسان داد و افزود: هر سال از مقام شامخ معلمان و آموزگاران برجسته کشور در خلال این یادمان تقدیر می‌شود.

دبیر اجرایی این یادمان نیز افزود: ثبت آسیایی رکورد استاد وحیدی که ۷۷ سال سابقه موفق و مؤثر تدریس ریاضیات را دارند، انجام شده و در تلاش هستیم ثبت رکورد جهانی گینس (در حوزه طول میزان سال‌های تدریس) با موفقیت انجام شود.

فیلم‌های حذف‌شده از اکران نوروزی مشکل پروانه نمایش ندارند

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی بیان کرد: فیلم‌هایی که از اکران نوروزی حذف شدند، مشکلی برای دریافت پروانه نمایش ندارند، بلکه برای اکران در این مقطع انتخاب نشده‌اند.

حیبب ایل‌بیگی در حاشیه مراسم تقدیر از مدیرعامل سابق مؤسسه «سینما شهر» در پاسخ به اینکه چرا فیلم‌های «لامینور» و «علفزار» از اکران نوروزی حذف شدند؟ گفت: انتخاب فیلم‌های نوروزی با سازمان سینمایی است و سازمان برای اکران در این مقطع با جمع شرایط باید فیلم‌ها را انتخاب کند که در جمع بندی نهایی دو فیلم «لامینور» و «علفزار» در این فهرست قرار نگرفتند.

او درباره اینکه دلیل این انتخاب‌نشدن چه بوده؟ گفت: این‌طور به جمع‌بندی رسیدیم. وی در پاسخ به سؤال که آیا ممیزی مسئله اکران نشدن فیلم «لامینور» است؟ بیان کرد: نه اصلا چنین چیزی نیست. اینها -لامینور و علفزار- فیلم‌هایی هستند که مجوز می‌گیرند و مشکلی برای اکران ندارند، ولی برای اکران نوروزی انتخاب نشده‌اند. در واقع ما بر اساس پارامترهایی به هفت فیلم رسیدیم که روز گذشته نهایی و به شورای صنفی تقدیم اعلام شدند و اسامی آنها نیز امروز احتمالا از سوی شورا اعلام شد.

ایل‌بیگی با بیان اینکه در اکران نوروزی به تنوع فکر شده تا هم فیلم کودک داشته باشیم هم کم‌دی، هم اجتماعی و هم انقلابی در ادامه در پاسخ به اینکه اگر فیلم‌ها مشکلی ندارند چند سازمان سینمایی به سمت تصمیماتی می‌روند که حاشیه ایجاد می‌شود؟ گفت: انتخاب فیلم در اکران نوروزی شرایط خاصی دارد و توجه به پیش‌سوتان هم حتما اهمیت دارد. البته من این کلمه را از دوستان دارم که بدون هماهنگی این فیلم را در فهرست قرار دادند. به آنها -شورای صنفی و تهیه‌کننده لامینور - گفتم شاید شما به ایشان -داریوش مهرجویی- کمک نکردید. من با تهیه‌کننده فیلم در این چند روز صحبت کردم و حتی درخواست کردیم دیدار حضوری داشته باشیم ولی شرایط آن فراهم نند و گفتند ایشان کسالت دارند، نه اما گفتند که در بیمارستان بوده‌اند. در سه روز گذشته که با آقای درمیسان صحبت می‌کردیم هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرده‌ند که آقای مهرجویی در آی‌سی‌یو بوده‌اند؛ بنابراین فکر می‌کنم گروه‌زن این ماجراها به هم کار درستی نیست و باید در یک فرایند منطقی و درست برای مراقبت از کلین سینما همه جوانب را در نظر بگیریم و باید من این اتفاق افتاده است. الان فقط بحث انتخاب است.

او افزود: درباره فیلم «علفزار» هم بیشتر یک‌سری نکات تخصصی وجود دارد نه ممیزی؛ بنابراین پروانه نمایش آن صادر می‌شود. حیبب ایل‌بیگی در پاسخ به دیگر سؤال ایسنا درباره اینکه چه شد سازمان سینمایی از موضع خود برای بازگشتن مجوزهای سریال‌های نمایش خانگی به وزارت ارشاد کوتاه آمد و این روند را به ساترا واگذار کرد؟ گفت: در مصاحبه اخیری که داشتم اصلا نگفتم که چنین چیزی به‌طور کامل اتفاق افتاده است، فقط گفتم فعلا تا روشن‌شدن این ماجرا، ما در سازمان سینمایی سریال و کارهایی را که برای پلتفرم‌هاست، بررسی نمی‌کنیم.

هنر

گفت‌وگو با سینا و سحاب علم «دوقلوهای موسیقی ایران»

هزاران نوازنده پشت درهای بازار «خواننده‌محور» گیر کرده‌اند

هنرمند شعور هنری‌اش را در آثارش به نمایش می‌گذارد



سحاب علم و سینا در حال اجرای کنسرت در تهران.

مجدوب این همه ذوق و شوق هنرچوهای نوجوان آموزشگاه شدام، آیا «برادران علم» مانند حرف‌هایشان عاشقانه برای تربیت این هنرآموزان تلاش می‌کنند؟ آیا همان‌طور که خودشان از حرکت‌تک‌نفره درعذاب‌اند، به هنرچوهای خود آموزش حرکت گروهی را می‌دهند؟ آیا

از این آموزشگاه و از زیردست این دوبرادر، موزیسین‌هایی وارد جامعه خواهند شد که معروف باشند به اخلاق و فعالیت‌های گروهی و کیفیت بالا در آثار؟

با سینا و سحاب علم، «دوقلوهای موسیقی ایران»، درباره دغدغه‌ها و فعالیت‌های اخیرشان گفت‌وگو کرده‌ایم. محورهای این گفت‌وگو عبارت‌اند از:آسمایل شوش، جدایی‌شان از گروه زند، همکاری با همای ، دلایل پایین‌آمدن کیفیت موسیقی در ایران و اینکه چرا نوازنده‌ها را امروزه در ایران کنار هر خواننده تازه‌کاری می‌توانیم ببینیم؛ درحالی‌که در گذشته نوازنده‌های همچون لطفی فقط با خوانندگان هم‌سطح خودش مثلا شجریان ضبط یا اجرا می‌کرد.

سحاب علم و سینا در حال اجرای کنسرت در تهران.

که کمی فضای جاز داشت و با ترکیب کمانچه من و شعر حسین منروی. کمتر خواننده‌ای این کار را می‌توانست اجرا کند.

● **تجربه‌تان در رابطه با همکاری با ایشان چه بود؟**

سینا: اولین مسئله مهم این بود که ایشان قبول کرد این کار را اجرا کند، چون خیلی سخت است خواننده‌ای که زائر مخصوص خود را دارد این ریسک را بپذیرد و زائرش را تغییر دهد. مسئله بعدی اینکه خیلی‌ها درباره ایشان اطلاعات کافی ندارند. ایشان سواد موسیقایی بالایی دارند، به حدی که نت‌ها را دقیق عین به عین اجرا کردند. به‌جرات می‌توانم بگویم راحت‌ترین و حرفه‌ای‌ترین خواننده‌های بودند که دیدهام و با او کار کرده‌ام.

سحاب: دلشش تحصیلات موسیقایی ایشان و کارهای اپرایی است که ایشان خارج از کشور اجرا می‌کنند.

سینا: تاکید می‌کنم انتخاب پذیرفتن یک خواننده که از جایگاه و موقعیتش نترسد و یک زائر دیگر را اجرا کند، کار بزرگی است که آقای همای این کار را کردند و متفاوت‌ترین اثر را اجرا کردند.

● **اتفاق بدی که گفتید در حوزه کاری شما افتاده و باعث شد «آسمایل شوش» زودتر شروع به کار کند، همان خبری است که این روزها شنیده‌شده‌؟**
«جدایی برادران علم» از گروه علی زنده‌وکیل؟

سینا: بله، جدایی ما از گروه «زند» باعث شد تصمیم نهایی را برای شروع فعالیت آسمایل شوش بگیریم.

● **شما از زمان هنرستان با هم شروع کرده بودید. هشت سال با هم به اجرای موسیقی با عنوان گروه «زند» پرداخته بودید؟ دلیل این جدایی چه بود؟**

سحاب: دلایل مختلفی داشت که بخشی از آن برمی‌گردد به نقطه شروع‌مان. یعنی وقتی در یک مسیری قدم گذاشتیم و با هم رشد و پیشرفت و حرکت می‌کنیم اینجا قرار نیست با هم مقایسه بشویم. ولی وقتی کسی به جایگاه و تفکر خاص خود می‌رسد مجازا فرق می‌کند. حالا باید ببینیم آیا با آن تفکراتی که در مسیر پیشرفت و حرفه‌ای شدن به دست آوردیم می‌توانیم با هم حرکت کنیم یا نه. خیلی از این دست اختلاف‌نظرها موجب شد به این نتیجه برسیم بعد از ۱۲ سال همسریمان از عوض کنیم و از هم جدا شویم.

سینا: اتفاقی که افتاد این بود که گویا فرقی نمی‌کرد نوازنده‌های این گروه ۲۰ساله باشند، آما‌تور باشند یا حرفه‌ای باشند؛ یعنی یک نوازنده چهار سال کارکرده هم کفاف تفکرات این گروه و مدیربرنامه‌هایشان را می‌داد. ما یک‌سری تفکرات و نظرات را در راستای کیفیت آثار و اجراها مطرح کردیم که به مذاقشان خوش نیامد و البته اصراری هم بر ماندن ما نداشتند؛ یعنی در واقع فکر می‌کردند کاری را که ما انجام می‌دادیم، یک نوازنده تازه‌کار هم انجام می‌دهد.

● **چرا این اتفاق می‌افتد که مدیر برنامه‌ای به این نتیجه می‌رسد یک نوازنده تازه‌کار می‌تواند کار یک موزیسین و نوازنده ۲۰ سال کارکرده را بدهد؟**

سحاب: اینها همه به سطحی شدن موسیقی در جامعه و در واقع «مارکت موسیقی» برمی‌گردد. یادمان باشد دوره‌ای بود که ساز یک قطعه را فقط باید یک فرد خاصی مثلا محمدرضا لطفی می‌نواخت، چون فقط این نوع سازازدن تخصص ایشان بود و جز صدای ساز ایشان کار، خوب از آب درنمی‌آمد و چون برنامه‌گذار برایش کیفیت کار و ماندگاری اثر مهم بود، به همین دلیل دنبال متخصص آن ساز بود و آثاری را می‌شنودیم که سال‌هاست در حوزه موسیقی ماندگار هستند. ولی امروزه برنامه‌گذارها یا مدیربرنامه‌ها اولویت‌شان مسائل مالی و شهرت است. پس اصلا برایشان مهم نیست نوازنده این گروه حرفه‌ای است یا نه. فقط بعد اجرایی و شهرت و فروش بلیت مهم است.

سینا: به جرات می‌توانم بگویم تنها گروهی که توانست هشت سال کنار هم فعالیت داشته باشد و در کنار هم با هم همکاری داشته باشد، گروه «سحاب علم» است. ما در این مسیر با هم همکاری داشتیم و در کنار هم با هم پیشرفت داشتیم. ما در این مسیر با هم همکاری داشتیم و در کنار هم با هم پیشرفت داشتیم. ما در این مسیر با هم همکاری داشتیم و در کنار هم با هم پیشرفت داشتیم.

سه‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۰

یادداشت

توهم آگاهی و توسعه افسارگسیخته، بلای جان فرهنگ و طبیعت ایران



حجت‌اله مرادخانی

پژوهشگر منابع دست‌ی و مدرس دانشگاه

● **تحقق توسعه در هر جامعه و پایدارسازی آن، امری بسیار حساس و واجد شرایط خاصی است؛ چراکه این فرایند مانند یک شمشیر دولبه، هم می‌تواند آبادانی و رونق در پی داشته باشد و هم انتخاب مسیر غلط آن، خسران و تباهی به وجود می‌آورد.** حال بعضی از عرصه‌ها مانند فرهنگ و طبیعت به سبب ماهیت حساس و مهمی که دارند، در مواجهه با روندهای توسعه، ممکن است با آسیب‌های بازگشت‌ناپذیری روبه‌رو شوند؛ اتفاقی که مصداق‌هایی از آن را در دهه‌های اخیر در کشورمان شاهد بوده‌ایم و شوربختانه به بهانه توسعه، میراث‌های فرهنگی ملموس و ناملموس و نیز محیط زیست ایران، دچار تخریب‌ها و خسران‌های غیرقابل‌بازگشت شده است. دلایل متعددی برای این موضوع وجود دارد که پرداختن به همه آنها مستلزم محالی بسیار مفصل است، اما در این بین، یکی از چالش‌های مخرب، توهم آگاهی در مسیر تصمیمات توسعه‌محور در حوزه فرهنگ و طبیعت ایران است، مقوله‌ای که در این مجال کمی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

در بحث تحقق توسعه پایدار، یکی از مفاهیم بنیادی و مهم، مفهوم تاب‌آوری است. به عبارت دیگر، جوامعی می‌توانند به سوی توسعه پایدار حرکت کنند که تاب‌آور باشند؛ یعنی آمادگی پذیرش تغییرات را داشته باشند. بدون شک ایجاد چنین آمادگی و قابلیت‌ی در جامعه مستلزم آموزش هدفمند و ارتقای سطح آگاهی است. این مقوله خود نیز به سرانه مطالعه و تیزآز کتاب‌های منتشرشده در طول سال و موضوعات آنها ارتباط مستقیمی دارد؛ وضعیتی که چندان محتمل‌ناطوبی‌ی از آن در کشور ما وجود ندارد. در نتیجه یکی از ارکان تحقق توسعه پایدار با چالش جدی مواجه است. در برابر این شرایط، ما با معضلی جدی روبه‌رو هستیم به اسم توهم آگاهی که به‌مراتب خط‌ناک‌تر و مخرب‌تر از جهل است. نابلدی و ناآگاهی یک مصیبت است، اما توهم آگاهی مصیبتی با ابعاد و پیامدهای بسیار بیشتر و مخرب‌تر است. بدیهی است که این توهم آگاهی نیز متأثر از کاهش مطالعه و عدم تفکر به وجود می‌آید و نتیجه آن می‌شود «من می‌دانم و حتماً می‌توانم». اگر کمی در تخریب‌های عرصه فرهنگ و طبیعت ایران در سال‌های اخیر تأمل کنیم، ردپای این توهم آگاهی در تصمیمات اتخاذشده پررنگ است و حاصل آن ازین‌طرف بسیاری از بافت‌های تاریخی و بناهای واجد ارزش فرهنگی و نیز نابودی هزاران هکتار جنگل و ازین‌رفتن سفره‌های زیرزمینی آب در ایران است. شاید این توهم آگاهی در تصمیمات، به صنعت خودروسازی یا نفت و ذوب‌آهن هم آسیب زده باشد، اما تخریب این صنایع با وجود آزدست‌رفتن منابع مالی زیاد، جریان‌شدنی است. درحالی‌که تخریب بافت تاریخی و هنرهای مختلف و نابودی جنگل‌ها و منابع آبی کشور، شاید به این آسانی امکان جبران نداشته باشد.

فرهنگ ایران و زیرمجموعه‌های ارزشمند آن مانند هنر، صنایع دستی، عرف‌ها و آیین‌های کهن و… گنجینه‌ای بسزرا از خلاقیت، نوآوری و زیبایی‌دوستی مردم این مرزوبوم است که در اعصار مختلف به‌مثابه نمادهایی جهان‌شمول، مورد تحسین و تکریم انسان‌ها بوده‌اند. گنجینه فرهنگ ایران اتفاقاً تنوع و سبزبودن خود را در تعامل مستقیم با طبیعت و سیستم‌بوم آراضش کسب کرده است. در نتیجه همواره فرهنگ ایران و عرف‌ها و آیین‌ها و آثار هنری آن به حفاظت از طبیعت و تکریم محیط زیست متمایل بوده و این گردش را ترویج کرده است؛ دو عرصه بسیار مهم برای استمرار زندگی در پهنه جغرافیای ایران که امروز در مواجهه با پدیده خطرناک توهم آگاهی و توسعه افسارگسیخته ناشی از آن، در معرض ویران و خسران‌های بزرگی قرار دارند.

مواجهه با پدیده‌های فرهنگی و طبیعی و شناخت آنها به مرور، تجربیات آگاهانه‌ای به وجود می‌آورد که اتفاقاً خصلت پدیدارشناسانه دارند. به این معنی که کیفیت خاصی برای تجربه هر یک از آنها به وجود می‌آید و این تجربیات آگاهانه و پدیدارشناسانه با مطالعه میدانی و مطالعه نظری کسب شده و منجر به کسب معرفت درست از ماهیت هرکدام از آنها خواهد شد. در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار داشت یک مدیر یا تصمیم‌گیرنده بتواند بهترین انتخاب را برای توسعه فرهنگ با طبیعت اتخاذ کند. معرفتی که هرگز با پشت میز نشستن و حضور در جلسات پیاپی مدیران به دست نمی‌آید.

شوربختانه در نتیجه این رویکرد پشت‌میزنشینی، شرایط فعلی ایجاد می‌شود که هر روز شاهد انتشار اخبار تلخ از فرهنگ و طبیعت ایران هستیم؛ یک روز تخریب کبند شیخ لطف‌الله اصفهان، تخریب بافت تاریخی شیراز و قزوین و باغ عقیق‌آباد تیر خیرهاست و روز دیگر فرونشست زمین و آتش‌سوزی‌های خانمان‌سوز جنگل‌های زاگرس و البرز کام دردمندان را تلخ می‌کند و فرصت‌های زیست‌آیندگان در ایران را به سمت نبربست سوق می‌دهد.

کار کند گروه ما یعنی گروه زند بود. ولی ایشان به‌راحتی این همکاری را کنار گذاشتند.

● **چرا گروه‌ها در ایران عمر طولانی ندارند؟**

سحاب: به این دلیل که نگاه همه فردی است. حتی در ورزش هم همین است. در ایران کشتی‌گیرهای ما اسطوره می‌شوند. ولی ما در ورزش‌های «گروهی جهانی» جایی نداریم. ولیالباب یک دوره‌ای بهترین بود. چه زمانی نزول کرد؟

سینا: ولیالباب تنها رشته گروهی بود که توانست در سطح جهانی مقام بیاورد. دلیلش این بود که در دوره‌ای نسلی پرورش دادند و ۱۵سال آموزش دیدند و روی آنها سرمایه‌گذاری کردند که اینها یاد گرفتند باید گروهی کار کنند و جهانی شوند و تکی فکر نکنند.

سحاب: اما امروز نمی‌توانیم کنار هم باشیم و گروه باشیم، چون قبل از همه تربیت و آموزش ما از اول گروهی نیست. برای مثال تیم آلمان اصلا ستاره ندارد ولی همیشه قهرمان جهان است، چون از اول به بچه آلمانی یاد دادند که در مجموع باید به این تیم کمک کنید و به همه شما احتیاج داریم. هر کسی در جایگاه خودش لازم و بهترین و ارزشمند است و مقام برای همه است؛ چه دفاع باشید چه گل‌زن.

ولی در ایران از کودکی در گروه‌های مدرسه در رشته‌های مختلف به کسی جایزه داده می‌شود که بیشتر دیده شده و به قول معروف گل را زده. به همین دلیل همه بچه‌ها دوست دارند که دیده شوند و جایزه بگیرند.

● **فکر می‌کنم جز، معدود نوازنده‌ها و آهنگ‌سازانی هستند که دنبال نقش و دیده‌شدن نوازندگان در موسیقی هستند و در این‌باره مصاحبه‌هایی هم داشتید. آیا دغدغه دیده‌شدن دارید؟**

سینا: بایبم نگاهی به جامعه بیندازیم. چند هزار نفر ساز می‌زنند و چند خواننده داریم؟ چرا در جامعه‌ای که نوازنده‌های بسیاری وارد بازار کار می‌شوند در نهایت فارغ‌التحصیلان که تحصیلات و مسائل بالایی دارند زیرمجموعه خواننده‌هایی که تعدادشان هم کمتر از نوازنده‌هاست می‌شوند که اصلا تحصیلات آکادمیک ندارند؟ چون هیچ ارگانی وجود ندارد که موزیسین‌ها در آن استخدام شوند و شغل داشته باشند. این دغدغه ماست. پس موزیسین‌ها مجبورند با مدیربرنامه یا برنامه‌گذاری همکاری کنند که اصلا سواد موسیقایی ندارند و فقط دنبال دیده‌شدن خواننده روی صحنه و شهرت و بلیت‌فروشی هستند و اصلا کیفیت کار برایشان مهم نیست.

ممکن است این آهنگ‌ساز یا نوازنده چند کنسرت با آن خواننده اجرا کند و چند آلبوم ضبط کند و از نظر مالی تأمین شود، ولی این برای زمان موقتی است و امنیت مالی را ایجاد نمی‌کند.

● **وقتی شما به‌عنوان یک نوازنده و آهنگ‌ساز وارد بازار کار شدید، آیا این را نمی‌دانستید که خواننده بیشتر دیده خواهد شد حتی اگر سواد موسیقایی نداشته باشد؟**

سحاب: ما زمانی وارد دنیای موسیقی شدیم که اسطوره‌های موسیقی نوازنده بودند؛ مثل علیزاده‌ها، لطفی‌ها، پاپورها، شهنازها و ظریف‌ها. قدیم نوازنده‌ها اسطوره بودند.

سینا: الان وقتی یک نوازنده وارد دنیای موسیقی می‌شود مطمئنا می‌داند که دیده نخواهد شد. ولی در زمان ورود ما به دنیای موسیقی این‌گونه نبود. این موضوع تازه و برای چند سال اخیر است که سرمایه‌گذار با خواننده‌ها قرارداد می‌بندد و فقط دنبال دیده‌شدن خواننده و مسائل مالی آن فعالیت هنری است.

● **امروزه خود نوازنده‌ها قبول می‌کنند پولی از خواننده تازه‌کار بگیرند و برایش کار بسازند و منطقی است که آن خواننده تلاش می‌کند در هر بخشی نامش بیشتر دیده شود. چون هزینه کارها کم است.**

سحاب: قدیم در اجرا‌ها کنار استاد محمدرضا شجریان، محمدرضا لطفی یا پرویز مشکاتیان را می‌دیدیم و اگر کنسرتی بود می‌گفتند کنسرت شجریان و لطفی یا کنسرت شجریان و مشکاتیان یا مثلا گروه دستان. یک مؤسسه و ارگانی بود به نام «حفظ و اشاعه موسیقی» که کامکارها، مشکاتیان، لطفی، علیزاده‌و… زیر پوشش این ارگان بودند و از نظر مالی حمایت می‌شدند و ایشان راحت بود. همین باعث می‌شد هر کسلی با هم‌سطح خودش اجرا داشته باشد؛ نه اینکه نوازنده‌ای که ۲۰ سال تخصصی کار کرده به خاطر مسائل مالی با خواننده‌ای که تازه دو سال شروع کرده، کار کند و زیرمجموعه او محسوب شود.

● **فکر می‌کنید چرا امروزه حرفه‌ای‌های موسیقی بی‌نام‌وشان مانده‌اند و کسانی که به قول شما دو سال است کار هنری را شروع کرده‌اند بیشتر به جامعه شناسانده شده‌اند و مردم بیشتر آنها را می‌شناسند؟**

سحاب: آن زمان یک کانال وجود داشت برای شناساندن هنرمند به جامعه و مردم. یک تلویزیون و یک رادیو که زیر نظر متخصصان موسیقی اداره می‌شدند. اما امروزه چون موسیقی و هنر و نوازنده و موزیسین‌ها در جامعه ما اولویت نیست، کمتر پیش می‌آید که از تلویزیون و رادیو هنرمند حرفه‌ای و اثر جدیدی را مانند قبل به جامعه معرفی کنند.

دلیل دیگر اینکه ایجاد کانال‌های غیرتخصصی مجازی موجب شده هر چیزی که مردم حتی با بی‌آگاهی قبول می‌کنند و بدون تخصص هر کسی را انتخاب کردند و فالو کردند بیشتر دیده می‌شود. یک سرمایه‌گذار هم که فقط به فکر مسائل مالی خودش است، چون می‌بیند مردم این فرد را بیشتر فالو کرده‌اند، روی او سرمایه‌گذاری می‌کند. همین می‌شود که گاهی کسانی در موسیقی بی‌مردم جامعه معروف می‌شوند که سواد موسیقایی ندارند. قدیم موزیسین‌ها به جامعه ایده می‌دادند؛ یعنی راه را هنرمند‌ها به جامعه نشان می‌دادند. جامعه هم به واسطه ایده‌های هنرمند بیروالی می‌گرفت و فرهنگ جامعه بالا می‌رفت. مردم با شنیدن یک آهنگ خوب یا دیدن یک فیلم خوب نگاهشان حتی به زندگی عوض می‌شد. اصلا کار هنرمند جز اینکه تولید کار هنری کند، ایجاد آیدنولوزی و راه و مسیر بود؛ اما الان برنامه‌گذارها و سرمایه‌گذارها دنبال این هستند که ببینند مردم چه می‌خواهند. همان را بسازند و تحویل جامعه دهند.

● **حال این امنیت مالی را موزیسین‌ها از کجا باید بگیرند؟**

سینا: در همه جای دنیا دولت بخشی از امنیت مالی را تأمین می‌کند و یک حقوق ثابتی به هنرمند می‌دهد، ولی کاملا حمایت نمی‌کند. بخش اعظم امنیت مالی را اتفاقا از مردم جامعه می‌گیرند.

سحاب: در جامعه ما هم نقش اصلی در امنیت مالی هنرمندان، خود مردم هستند. ولی حیف با این همه هزینه و بودجه‌هایی که سرمایه‌گذارها برای کنسرت‌ها و تبلیغات و بحث مارکت موسیقی خرج می‌کنند و چندین برابر بودجه‌ای است که خود دولت برای صداسوسما تعیین کرده، موسیقی باقیفتی به خورد مردم ندادند.

ما به مردم بد کردیم و از مردم نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که سلیقه موسیقایی‌شان بالا باشد، درحالی‌که موسیقی‌هایی که شنیده‌اند سطح پایین بوده است. کاش مسئولانی که در این مارکت فعالیت دارند اعم از تهیه‌کننده، مدیربرنامه، نوازنده و خواننده دست به دست هم بدهند و این روال را تغییر دهند. فقط از دست ما نوازنده‌ها به‌تهتایی کاری برنمی‌آید.